# **فهرست مطالب**

[خطبه اول 2](#_Toc429226579)

[قیامت و معاد 2](#_Toc429226581)

[نفخ صور در قرآن کریم 3](#_Toc429226582)

[نفخ صور در روایات 3](#_Toc429226583)

[دفعات نفخ صور 4](#_Toc429226584)

[صوراسرافیل 5](#_Toc429226585)

[استثناء در نفخ صور 6](#_Toc429226586)

[حتمیت وقوع نفخ صور 8](#_Toc429226587)

[خطبه دوم 8](#_Toc429226588)

[نکاتی پیرامون حوادث در کوزوو 9](#_Toc429226589)

[سه دلیل غربی‌ها برای تحقق اهداف ناتو 10](#_Toc429226590)

[وضعیت کنونی کوزوو 11](#_Toc429226591)

[21 فروردین دهه بنیاد مسکن 12](#_Toc429226592)

[دعا 13](#_Toc429226593)

# **خطبه اول**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.[[2]](#footnote-2)**

# **قیامت و معاد**

در پایان جهان و آغاز رستاخیز دو حادثه ناگهانی رخ می‌دهد: در حادثه اول همه موجودات زنده فوراً می‌میرند، و در حادثه دوم که بافاصله‌ای صورت می‌گیرد همه انسان‌ها ناگهان زنده می‌شوند، و به پا می‌خیزند و در انتظار حساب‌اند. [قرآن](http://tahoor.com/fa/Article/View/110564) مجید از این دو حادثه به‌عنوان نفخ صور تعبیر کرده است که تعبیر کنایی زیبایی است از حوادث ناگهانی و همزمان، زیرا نفخ به معنی دمیدن و صور به معنی شیپور یا شاخ میان‌تهی است که در قدیم برای حرکت قافله یا لشکر، یا برای توقف آن‌ها به صدا درمی‌آوردند، البته آهنگ این دو باهم متفاوت بوده است، شیپور توقف، قافله را یکجا متوقف می‌کرد، و شیپور حرکت، اعلام شروع حرکت قافله بود.

این تعبیر ضمناً بیانگر سهولت امر است و نشان می‌دهد که خداوند بزرگ با یک فرمان که به‌سادگی دمیدن در یک شیپور است اهل آسمان و زمین را می‌میراند و با یک فرمان که آن‌هم شبیه به شیپور رحیل و حرکت است همه را زنده می‌کند. در گفتار علما بارها تأکید شده است الفاظ ما انسان‌ها که برای زندگی روزمره محدود خودمان وضع‌شده عاجزتر از آن است که بتواند حقایق مربوط به جهان ماوراء طبیعت یا پایان این جهان و آغاز جهان دیگر را دقیقاً بیان کند، به همین دلیل باید از الفاظ معمولی معانی وسیع‌تر و گسترده‌تری استفاده شود منتها با توجه به قرائنی که در کلام موجود باشد یعنی حق نداریم هر معنایی را به هر عبارتی تحمیل کنیم و برای اینکه از الفاظ معانی دیگری برداشت شود باید قرینه داشته باشیم.

# نفخ صور در قرآن کریم

در قرآن مجید از حادثه پایان جهان و آغاز جهان دیگر تعبیرات مختلفی آمده است:

در آیات متعددی متجاوز از ده مورد، سخن از نفخ صور به میان آمده در یک مورد تعبیر به نقر در ناقور شده که آن نیز به معنی دمیدن در شیپور یا شبیه آن است **«فَإِذا نُقِرَ فِی النَّاقُورِ فَذلِکَ یَوْمَئِذٍ یَوْمٌ عَسیرٌ»[[3]](#footnote-3)**؛ پس چون در صور دمیده شود. آن روز چه روز ناگواری است. در بعضی از موارد تعبیر به قارعة به معنی کوبنده شدید دیده می‌شود و بالاخره در بعضی دیگر تعبیر به صیحه آمده است که آن به معنی صدای عظیم است، مانند: **«مَا ینْظُرُونَ إِلَّا صَیحَة وَاحِدَة تَأْخُذهُمْ وَهُمْ یخِصِّمُونَ»[[4]](#footnote-4)**؛ جز یک فریاد مرگبار را انتظار نخواهند کشید که هنگامی‌که سرگرم جدال‌اند غافلگیرشان کند. این آیه از صیحه پایان جهان سخن می‌گوید که مردم را غافلگیر می‌سازد، و آیه **«إِن کانَتْ إِلَّا صَیحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِیعٌ لَّدَینَا مُحْضَرُونَ»[[5]](#footnote-5)**؛ یک فریاد است و بس و به ناگاه همه در پیشگاه ما حاضر آیند. ولی در این آیه سخن از صیحه رستاخیز است که همه مردم به دنبال آن زنده می‌شوند و در محضر عدل پروردگار حضور می‌یابند.

از مجموع این آیات استفاده می‌شود که در پایان جهان صیحه عظیمی اهل آسمان‌ها و زمین را می‌میراند و این صیحه مرگ است. و در آغاز رستاخیز با صیحه و فریاد عظیمی همه زنده می‌شوند، و به پا می‌خیزند، و این فریاد حیات وزندگی است.

# نفخ صور در روایات

اما این دو فریاد دقیقاً چگونه است؟ چه اثری در صیحه اول، و چه تأثیری در صیحه دوم است؟ جز خدا کسی نمی‌داند، و لذا در روایتی از [امام سجاد](http://tahoor.com/fa/Article/View/24777) (ع) در توصیف صور که [اسرافیل](http://tahoor.com/fa/Article/View/118030) در پایان جهان در آن می‌دمد چنین آمده است: **«وَ لِلصُّورِ رَأْسٌ وَاحِدٌ وَ طَرَفَانِ وَ بَینَ طَرَفِ کلِّ رَأْسٍ مِنْهُمَا مَا بَینَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ**»[[6]](#footnote-6)؛ شیپور اسرافیل یکسر و دوشاخه دارد که فاصله میان این دوشاخه با یکدیگر مانند فاصله آسمان تا زمین است. سپس در ادامه همین روایت می‌خوانیم: هنگامی‌که در آن شاخه که در سمت زمین است می‌دمد موجود زنده‌ای بر زمین باقی نمی‌ماند، و هنگامی‌که در آن سر آسمانی می‌دمد اهل آسمان‌ها همه می‌میرند، و بعد خداوند فرمان مرگ به اسرافیل می‌دهد و می‌گوید بمیر او هم می‌میرد.

حقیقت این است که در قرآن توضیح زیادی در رابطه با صوراسرافیل و نفخ در آن نیامده و غالباً به‌اجمال و سربسته گذشته است اما در روایات توضیحات بیشتری در این رابطه می‌توان دست‌یافت اما آنچه در این نوشتار مدنظر نگارنده است بررسی اجمالی و حتی‌الامکان مستوفی نسبت به خصوصیات آن است و در این رابطه سعی شده است از آیات قرآن، روایات و کلام علما تا جای ممکن خصوصیات صور معلوم شود.

# دفعات نفخ صور

مشهور در میان علمای اسلام دومرتبه است، و ظاهر آیه موردبحث نیز همین هست، جمع‌بندی آیات دیگر قرآن نیز خبر از دو نفخه می‌دهد، ولی بعضی تعداد آن را سه نفخه و یا حتی چهار نفخه دانسته‌اند.

به‌این‌ترتیب که نفخه اول را نفخه فزع می‌گویند «**وَیوْمَ ینْفَخُ فِی الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِی السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِی الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَکلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِینَ»[[7]](#footnote-7)**؛ هنگامی‌که در صور دمیده می‌شود همه‌کسانی که در آسمان و زمین هستند در وحشت فرو می‌روند. و نفخه دوم و سوم را نفخه مرگ و حیات می‌دانند که در آیات قرآن به آن اشاره‌شده است، که اولی را نفخه صعق می‎گویند (صعق هم به معنی بی‌هوش شدن و هم مردن آمده است) و دیگری را نفخه قیام می‌نامند بعضی نیز احتمال نفخه چهارمی داده‌اند. ایشان ظاهراً از آیه 53 سوره یس گرفته‌اند که بعد از نفخه حیات می‌گوید «**إِنْ کانَتْ إِلَّا صَیحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِیعٌ لَدَینَا مُحْضَرُونَ**»[[8]](#footnote-8) تنها یک صیحه خواهد بود و به دنبال آن‌همه آن‌ها نزد ما حاضر می‌شوند و این نفخه جمع و حضور نامیده‌اند.

برخی نیز که دو نفخ صور را پذیرفته‌اند قائل شده‌اند نفخ صور مربوط به این عالم نیست و در عالم برزخ واقع می‌شود و قبل از آن تمام موجودات براثر یک صیحه که غیر از نفخ صور است می‌میرند و پس‌ازآن در عالم برزخ با نفخ اول دوباره مرده و با نفخ دوم زنده شده در عالم قیامت در پیشگاه الهی حاضر می‌شوند. ولی حق این است که دو نفخه بیشتر نیست و مسئله فزع و وحشت عمومی در حقیقت مقدمه‌ای است برای مرگ جهانیان که به دنبال نفخه اولی یا صیحه نخستین حاصل می‌شود یعنی نفخ اول مردم را دچار چنان وحشت و ترسی می‌کند که نتیجه آن بی‌هوشی و مرگ است، همان‌گونه که نفخه جمع نیز دنباله همان نفخه حیات است نه اینکه نفخه دیگری باشد بلکه در ادامه نفخ‌های که مردم را زنده می‌کند مردم جمع شده و در پیشگاه الهی حاضر می‌شوند و به‌این‌ترتیب دو نفخه بیش نخواهد بود: نفخه مرگ و نفخه حیات.

# صوراسرافیل

چگونه امواج صوتی آن تمام جهان را فرامی‌گیرد؟ بااینکه می‌دانیم امواج صوتی حرکت کندی دارد، و از دویست و چهل متر در ثانیه تجاوز نمی‌کند، درحالی‌که حرکت نور بیش از یک‌میلیون بار از آن سریع‌تر است و به سیصد هزار کیلومتر در ثانیه می‌رسد.
باید گفت ما نسبت به این موضوع همانند بسیاری از مسائل مربوط به قیامت تنها علم اجمالی داریم، و جزئیات آن بر ما روشن نیست. دقت در روایاتی که در منابع [اسلام](http://tahoor.com/fa/Home/Search?term=%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85&encyclo=True&kotob=True&alam=True&text=True&title=True&keyword=True)ی در تفسیر صور آمده نیز نشان می‌دهد که برخلاف پندار بعضی صور یک شیپور معمولی نیست.

در روایتی از امام علی بن الحسین زین‌العابدین (ع) آمده است: **«اِنَّ الصُّورَ قَرْنٌ عَظِیْمٌ لَهُ رَأْسٌ واحِدٌ وَ طَرَفانِ، وَ بَیْنَ الطَّرَفِ الْاَسْفَلِ الَّذِی یَلِی الْاَرْضَ اِلَی الطَّرَفِ الْاَعْلی الَّذِی یَلِی السَّماءَ مِثْلُ تُخُومِ الْاَرَضِیْنَ اِلی فَوْقِ السَّماءِ السّابِعَةِ، فِیْهِ أَثْقابٌ بِعَدَدِ أَرْواحِ الْخَلایِقِ**»[[9]](#footnote-9)؛ صور شاخ بزرگی است که یکسر و دو طرف دارد، و میان طرف پائین که در سمت زمین است تا طرف بالا که در سمت آسمان است به‌اندازه فاصله اعماق زمین تا فراز آسمان هفتم است، و در آن سوراخ‌هایی به عدد ارواح خلائق هست.

در حدیث دیگری از [پیغمبر گرامی اسلام](http://tahoor.com/fa/Article/View/24731) (ص) می‌خوانیم: **«اَلصُّورُ قَرْنٌ مِنْ نُور فِیْهِ أَثْقابٌ عَلی عَدَدِ أَرْواحِ الْعِبادِ**»[[10]](#footnote-10)؛ صور شاخی است از نور که در آن سوراخ‌هایی به تعداد ارواح بندگان است.

مطرح‌شدن مسئله نور در اینجا به سؤال دومی که در بالا ذکر شد نیز پاسخ می‌گوید، و روشن می‌سازد که این فریاد عظیم از قبیل امواج صوتی معمولی ما نیست، فریادی است برتر و بالاتر، با امواجی فوق‌العاده سریع‌تر از امواج نور که پهنه زمین و آسمان را در فاصله کوتاه طی می‌کند، بار اول مرگ‌آفرین است، و بار دیگر زنده کننده و حیات‌بخش! این مسئله که چگونه ممکن است صدا این‌چنین مرگ‌آفرین باشد اگر درگذشته برای بعضی شگفت‌انگیز بود امروز برای ما تعجبی ندارد، چراکه بسیار شنیده‌ایم موج انفجار گوش‌ها را کر، بدن‌ها را متلاشی، و حتی خانه‌ها را ویران می‌سازد، انسان‌هایی را از جای خود برداشته، به فاصله‌های دوردست پرتاب می‌کند بسیار دیده‌شده است که حرکت سریع یک هواپیما و به‌اصطلاح شکستن دیوار صوتی چنان صدای وحشتناک و امواج ویرانگری به وجود می‌آورد که شیشه‌های ساختمان‌ها را در شعاع وسیعی خرد می‌کند.

جایی که نمونه‌های کوچک امواج صوتی که به‌وسیله انسان‌ها ایجادشده این‌چنین اثراتی از خود نشان می‌دهد آن صیحه عظیم الهی، آن انفجار بزرگ جهانی چه آثاری ببار خواهد آورد؟! به همین دلیل جای تعجب نیست که امواجی هم در نقطه مقابل آن تکان‌دهنده و بیدارکننده و احیاگر باشد، هرچند تصور آن امروز برای ما ممکن نیست، ولی بیدار کردن افراد خواب را با فریاد و یا به هوش آوردن انسان‌های بی‌هوش را با شوک‌های شدید و یا حتی زنده کردن شخصی که دچار ایست قلبی شده است را با شوک‌های الکتریکی را لااقل دیده‌ایم و اگر روزگاری به مردم می‌گفتند که دست گاهی می‌آید که باعث زنده شدن افراد مرده می‌شود باور آن مشکل بود ولی امروزه ما این مطلب را به‌سادگی می‌پذیریم، و باز تکرار می‌کنیم ما با علم محدودمان تنها شبحی از این امور را از دور می‌بینیم. این احتمال هم وجود دارد که تعبیر به نور نوعی بیان کنایی درباره ماهیت غیرمادی صور باشد به‌هرحال درباره حقیقت نفخ صور آراء دیگری نیز وجود دارد که از مقصود این نوشتار خارج است.

# استثناء در نفخ صور

از آیات قرآن برمی‌آید که در واقعه نفخ صور برخی افراد از این واقعه مستثنا بوده و دچار فزع و صعق و موت نمی‌شوند خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «**وَیوْمَ ینْفَخُ فِی الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِی السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِی الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَکلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِینَ»[[11]](#footnote-11)**؛ روزی که در صور، دمند و هر که در آسمان‌ها و در زمین است وحشت کند جز آنکه خدا بخواهد و همگی با تذلل به پیشگاه وی رو کنند. و نیز می‌فرماید: «**وَنُفِخَ فِی الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِی السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِی الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ»[[12]](#footnote-12)**؛ و در صور دمیده می‌شود که ناگهان آنچه جنبنده‌ای در آسمان‌ها و هر کس که در زمین است می‌میرند مگر کسی که خدا خواسته باشد.

در این دو آیه که از اصلی‌ترین آیات مربوط به نفخ صور هستند تصریح‌شده که وحشت و مرگ ناشی از نفخ صور شامل برخی از افراد که خدا می‌خواهد نمی‌شود اما درباره این‌که این افراد چه کسانی هستند و چه مقامی دارند توضیحی در این دو آیه داده نشده است و در آیات دیگر نیز به‌صراحت بیان‌نشده است در این رابطه در روایات مطالب مهمی وجود دارد اما برخی از علماء با تمسک به آیات دیگر و برخی روایات سعی کرده‌اند خصوصیات این افراد را بیشتر مشخص کنند. خلاصه این‌که برخی معتقدند با توجه به این‌که در برخی آیات قرآن کریم مرگ و موت برای هر موجود زنده دارای روحی لازم شمرده‌شده است باید همه غیر از ذات باری‌تعالی مرگ را بچشند.

«**کلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَینَا تُرْجَعُونَ»[[13]](#footnote-13)**؛ هر نفسی مرگ را خواهد چشید و سپس به‌سوی ما بازگشت می‌کنید. «**کلُّ مَنْ عَلَیهَا فَانٍ»[[14]](#footnote-14)**؛ هر چه بر گرده زمین است نابود می‌شود. و آن افرادی نیز که در آیات مذکور نیز استثناء شده‌اند نیز در آخر به‌فرمان الهی می‌میرند و تنها خداوند یکتا موجود حی زنده خواهد بود و برای این مطلب به آیه 26 سوره الرحمن استناد می‌کنند آنجا که در ادامه آیه بالا می‌فرماید: «**وَیبْقَی وَجْهُ رَبِّک ذُو الْجَلَالِ وَالْإِکرَامِ»[[15]](#footnote-15)**؛ و تنها ذات مقدس پروردگارت که با جلال و شکوه است باقی می‌ماند. در روایات نیز مطالبی دال بر این مطلب وجود دارد.

این در حالی است که برخی معتقدند اگر فردی یا افرادی به مقام فنا در ذات ربوبی رسیده باشند و به معنای واقعی کلمه فانی در خدای خویش باشند منافاتی ندارد که بگوییم آن‌ها مزه مرگ را نمی‌چشند چراکه آن‌ها به دریای بیکران وجود الهی متصل شده‌اند و به وجه الله پیوسته‌اند و آن‌وقت دیگر حیاتشان با حیات الهی ادامه پیدا می‌کند و زوال‌پذیر نیست و انسان کامل این‌گونه است ایشان با استناد به روایات بسیاری ائمه معصومین (ع) را مصداق انسان کامل دانسته و بر این عقیده‌اند که آن‌کسانی که در آیات قرآن از مرگ در نفخ صور استثناء شده‌اند هم ایشان هستند. البته بیان ایشان بسیار دقیق و ظریف بوده و مبتنی بر یک سری مسائل فلسفی و عرفانی است و چه‌بسا بتوان بین این دو دیدگاه به نحوی جمع کرد و مسئله را به‌گونه‌ای توضیح داد که هر دو دیدگاه صحیح باشد به‌هرحال این تفصیلات از مقصود و حوصله این نوشتار خارج است و باید در موضع خود موردنقد و بررسی قرار بگیرد.

# حتمیت وقوع نفخ صور

نـفـخ صـور بـه خـاطـر نـقـش تعیین‌کننده‌ای که در برپایی معاد دارد وقوعش حتمی بوده و از مسائل قـطـعی مربوط به قیامت به‌حساب می‌آید، بدین خاطر از ضروریات دینی محسوب می‌شود کـه اعـتـقـاد بـه آن و بـاور داشـتـنـش، هـمـچـون اعـتـقـاد و بـاور اصل معاد ضروری و واجب است و قطعاً یکی از مسلمات دینی است و با توجه به آیات بسیار و صریح و روایات بسیاری که شاید بتوان درباره آن‌ها ادعای تواتر معنوی نمود انکار آن موجب ارتداد است و اگر کسی با علم به این‌که این مطالب در قرآن و روایات وجود دارد وقوع نفخ صور را انکار کند درواقع انکار بر آیات قرآن کرده است.

البته ممکن است کسی اصل نفخ صور را انکار نکند اما با توجه به بعضی روایات و یا ادله عقلی آن را نوعی بیان کنایی دانسته و به معانی دیگر حمل کند که در این صورت انکار محسوب نمی‌شود. خلاصه آن‌که نفخ صور از آن دسته نشانه‌هایی است که وقوع آن‌ها قطعی بوده و باید پیش از قیامت واقع شوند مانند بعثت پیامبر (ص) و ظهور [حضرت مهدی](http://tahoor.com/fa/Article/View/24794) (عج) و در این رابطه اگر به این نکته توجه کنیم که بنا بر آنچه از روایات و آیات به دست می‌آید وقایع قیامت اعم از زلزله و مرگ موجودات و حشرونشر... همه معلول نفخ صور است لزوم و قطعیت آن بدیهی خواهد بود.

# خطبه دوم

اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم **«یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ**[[16]](#footnote-16)**» عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# نکاتی پیرامون حوادث کوزوو

کوزوو در ابتدا قسمتی از [آلبانی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A2%D9%84%D8%A8%D8%A7%D9%86%DB%8C) بود. در سال [۱۳۸۹ میلادی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%DB%B1%DB%B3%DB%B8%DB%B9_%28%D9%85%DB%8C%D9%84%D8%A7%D8%AF%DB%8C%29) توسط [مراد اول](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%B1%D8%A7%D8%AF_%D8%A7%D9%88%D9%84) به [امپراتوری عثمانی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%85%D9%BE%D8%B1%D8%A7%D8%AA%D9%88%D8%B1%DB%8C_%D8%B9%D8%AB%D9%85%D8%A7%D9%86%DB%8C) ملحق شد. بعدها در حکومت [عثمانی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%85%D9%BE%D8%B1%D8%A7%D8%AA%D9%88%D8%B1%DB%8C_%D8%B9%D8%AB%D9%85%D8%A7%D9%86%DB%8C) جزئی از استان آلبانی گشت. بعدها از استان آلبانی جدا شد و به امپراتوری [صرب‌ها](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B5%D8%B1%D8%A8%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86) داده شد. قبل از شکست [عثمانی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%85%D9%BE%D8%B1%D8%A7%D8%AA%D9%88%D8%B1%DB%8C_%D8%B9%D8%AB%D9%85%D8%A7%D9%86%DB%8C) در خلال [جنگ جهانی اول](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AC%D9%86%DA%AF_%D8%AC%D9%87%D8%A7%D9%86%DB%8C_%D8%A7%D9%88%D9%84)، [آلبانی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A2%D9%84%D8%A8%D8%A7%D9%86%DB%8C) و کوزوو به یکدیگر ملحق شده و تحت قیمومیت [ایتالیا](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%DB%8C%D8%AA%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%A7) قرار گرفتند.

صرب‌ها در قرن ۷ میلادی به سرزمین کوزووی امروزی مهاجرت کردند ولی به علت عدم اتحاد بسیار آسیب‌پذیر بودند، نبرد کوزوو در سال ۱۳۸۹ میلادی به وقوع پیوست که در جریان این جنگ عثمانی‌ها بر صرب‌ها غلبه کردند که این حادثه منجر به حاکمیت عثمانی‌ها بر این منطقه به مدت بیش از ۵ قرن شد. عثمانی‌ها بسیاری از ترک‌ها و آلبانیایی‌تبارها را به این منطقه منتقل کردند. به‌تدریج صرب‌ها پس از، از دست دادن حاکمیت رفته‌رفته اکثریت نژادی را نیز از دست دادند و آلبانیایی‌ها گروه نژادی عمده در کوزوو لقب گرفت. پس از پنج قرن، طی جنگ اول بالکان در سال ۱۹۱۲ صربستان بار دیگر کوزوو را تحت کنترل خود درآورد. پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ دولت [جمهوری فدرال سوسیالیست یوگسلاوی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AC%D9%85%D9%87%D9%88%D8%B1%DB%8C_%D9%81%D8%AF%D8%B1%D8%A7%D9%84_%D8%B3%D9%88%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%B3%D8%AA_%DB%8C%D9%88%DA%AF%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%88%DB%8C)، کوزوو را بانام [استان خودمختار سوسیالیستی کوزوو](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D8%AE%D9%88%D8%AF%D9%85%D8%AE%D8%AA%D8%A7%D8%B1_%D8%B3%D9%88%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%B3%D8%AA%DB%8C_%DA%A9%D9%88%D8%B2%D9%88%D9%88) به‌عنوان بخشی از [جمهوری سوسیالیستی صربستان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AC%D9%85%D9%87%D9%88%D8%B1%DB%8C_%D8%B3%D9%88%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%B3%D8%AA%DB%8C_%D8%B5%D8%B1%D8%A8%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86)، به رسمیت شناخت. پس از چهار دهه، آلبانیایی‌تبارهای کوزوو تبلیغات وسیعی را به‌منظور خودمختاری بیشتر ترتیب دادند. در سال ۱۹۷۴ از جانب دولت یوگسلاوی، وضعیتی برابر با یک جمهوری به کوزوو اعطا شد و در قانون اساسی یوگسلاوی نیز به تصویب رسید. باوجود اعطای قانون‌گذاری به آلبانیایی‌تبارهای کوزوو، ناسیونالیست‌های آلبانیایی پا را از این نیز فراتر گذاشتند و در دههٔ ۸۰ میلادی با برگزاری شورش‌های خیابانی، خواستار استقلال کوزوو از یوگسلاوی شدند. ناسیونالیست‌های صرب کوزوو به رهبری [اسلوبودان میلوسویچ](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D9%84%D9%88%D8%A8%D9%88%D8%AF%D8%A7%D9%86_%D9%85%DB%8C%D9%84%D9%88%D8%B3%D9%88%DB%8C%DA%86)، با تظاهرکنندگان آلبانیایی‌تبار درگیر شدند و این درگیری‌ها به خشونت کشیده شد. در سال ۱۹۸۹ و تحت رهبری میلوسویچ، صربستان قانون اساسی را به تصویب رساند که خودمختاری کوزوو به حداقل رسید. در سال ۱۹۹۱ نیز رهبران آلبانیایی کوزوو در پاسخ با برگزاری یک همه‌پرسی استقلال خود را از صربستان اعلام کردند. میلوسویچ که در آن زمان به رهبری یوگسلاوی نیز رسیده بود، سرکوب گسترده‌ای را علیه دولت غیررسمی کوزوو که در آن زمان‌بر عهدهٔ [ابراهیم روگووا](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%A7%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%87%DB%8C%D9%85_%D8%B1%D9%88%DA%AF%D9%88%D9%88%D8%A7&action=edit&redlink=1&preload=%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88%3A%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%2B%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87%2F%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86%E2%80%8C%D8%A8%D9%86%D8%AF%DB%8C&editintro=%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88%3A%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%2B%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87%2F%D8%A7%D8%AF%DB%8C%D8%AA%E2%80%8C%D9%86%D9%88%D8%AA%DB%8C%D8%B3&summary=%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%2B%DB%8C%DA%A9%2B%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87%2B%D9%86%D9%88%2B%D8%A7%D8%B2%2B%D8%B7%D8%B1%DB%8C%D9%82%2B%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%DA%AF%D8%B1&nosummary=&prefix=&minor=&create=%D8%AF%D8%B1%D8%B3%D8%AA%2B%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D9%86%2B%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87%2B%D8%AC%D8%AF%DB%8C%D8%AF) بود و همچنین آلبانیایی‌تبارهای کوزوو آغاز کرد. در سال ۱۹۹۲ ابراهیم راگوا، رئیس حزب [اتحاد دموکراتیک کوزوو](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%A7%D8%AA%D8%AD%D8%A7%D8%AF_%D8%AF%D9%85%D9%88%DA%A9%D8%B1%D8%A7%D8%AA%DB%8C%DA%A9_%DA%A9%D9%88%D8%B2%D9%88%D9%88&action=edit&redlink=1&preload=%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88%3A%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%2B%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87%2F%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86%E2%80%8C%D8%A8%D9%86%D8%AF%DB%8C&editintro=%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88%3A%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%2B%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87%2F%D8%A7%D8%AF%DB%8C%D8%AA%E2%80%8C%D9%86%D9%88%D8%AA%DB%8C%D8%B3&summary=%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%2B%DB%8C%DA%A9%2B%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87%2B%D9%86%D9%88%2B%D8%A7%D8%B2%2B%D8%B7%D8%B1%DB%8C%D9%82%2B%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%DA%AF%D8%B1&nosummary=&prefix=&minor=&create=%D8%AF%D8%B1%D8%B3%D8%AA%2B%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D9%86%2B%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87%2B%D8%AC%D8%AF%DB%8C%D8%AF)، [دولت در سایهٔ کوزوو](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%AF%D9%88%D9%84%D8%AA_%D8%AF%D8%B1_%D8%B3%D8%A7%DB%8C%D9%87_%DA%A9%D9%88%D8%B2%D9%88%D9%88&action=edit&redlink=1&preload=%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88%3A%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%2B%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87%2F%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%AE%D9%88%D8%A7%D9%86%E2%80%8C%D8%A8%D9%86%D8%AF%DB%8C&editintro=%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88%3A%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%2B%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87%2F%D8%A7%D8%AF%DB%8C%D8%AA%E2%80%8C%D9%86%D9%88%D8%AA%DB%8C%D8%B3&summary=%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%2B%DB%8C%DA%A9%2B%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87%2B%D9%86%D9%88%2B%D8%A7%D8%B2%2B%D8%B7%D8%B1%DB%8C%D9%82%2B%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF%DA%AF%D8%B1&nosummary=&prefix=&minor=&create=%D8%AF%D8%B1%D8%B3%D8%AA%2B%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D9%86%2B%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87%2B%D8%AC%D8%AF%DB%8C%D8%AF) را تشکیل داد. دولت غیررسمی روگووا تلاش‌های منفعلانه‌ای را به‌منظور به دست آوردن حمایت‌های بین‌المللی و استقلال انجام داد. در سال ۱۹۹۵ آلبانیایی‌ها ناخرسندی خود را از استراتژی غیر خشونت‌آمیز روگووا اعلام کردند. آن‌ها مدعی بودند که برای رسیدن به‌حق خود باید جنگید. بدین ترتیب ارتش آزادی‌بخش کوزوو با ماهیتی شورشی و شبه‌نظامی تشکیل گردید. در سال ۱۹۹۸، میلوسویچ کمپینی را به‌منظور مقابله‌به‌مثل با شبه‌نظامیان کوزوو بنیان نهاد. [ناتو](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%86%D8%A7%D8%AA%D9%88) در مارس ۱۹۹۹ بدون اجازه سازمان ملل به [یوگسلاوی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%DB%8C%D9%88%DA%AF%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%88%DB%8C)) صربستان و مونته‌نگرو) حمله کرد و کشور را طی ۷۸ روز بمباران می‌کرد. دلیل حمله نقض حقوق آلبانیایی‌تباران کوزوو و همچنین جلوگیری از قتل‌عام و نسل‌کشی آلبانیایی‌تباران از سوی حکومت صربستان اعلام شد. میل سویچ به جنایت جنگی و نسل‌کشی در کوزوو متهم شد و برای محاکمه در اختیار دادگاه لاهه قرار گرفت. او که مسئول قتل، شکنجه، آزار و آوارگی ۸۰۰ هزار آلبانیایی‌تبار شناخته می‌شود پیش از پایان محاکمه در سال ۲۰۰۶ درگذشت.

# سه دلیل غربی‌ها برای تحقق اهداف ناتو

۱. آنکه آلبانیایی‌تباران کوزوو خودمختاری نداشتند.

این دلیل حقیقی نیست زیرا کوزوو از سال ۱۹۴۶ خودمختاری داشت و حتی در سال ۱۹۹۰ که صربستان قانون اساسی خود را تغییر داد، کوزوو خودمختاری وسیع را حفظ کرد، فقط بدون اختیارات در سیاست خارجی.

۲. آزار و اذیت کردن آلبانیایی‌تباران و قتل‌عام و نسل‌کشی آن‌ها به‌فرمان حکومت صربستان.

به عقیده کارشناسان قتل‌عام و نسل‌کشی آلبانیایی‌تباران وجود نداشت. جمعیت آلبانیایی‌های کوزوو در طی سی سال اخیر دائماً افزایش داشته و در سال ۱۹۹۸ طبق داده‌های رسمی اداره آمار یوگسلاوی ۹۱۷ هزار نفر یعنی ۶۶ درصد جمعیت استان خودمختار کوزوو بود. به نظر آلبانیایی‌تباران خود، جمعیت آن‌ها در کوزوو ۲ میلیون نفر است. برعکس، از سال ۱۹۸۱ اخراج جمعیت صربی توسط گروه‌های افراطی آلبانیایی‌ها آغاز گردید. تا اوایل ۱۹۹۰ جمعیت صرب به ۹ درصد کوزوو کاهش یافت.

۳. لزوم برقراری دموکراسی به الگوی کشورهای غربی در یوگسلاوی و حذف دیکتاتوری خونین میلوشویچ.

آنجا باید گفت که یوگسلاوی از سال ۱۹۹۰ دولت دموکراتیک و با احزاب بسیار زیاد هست. دموکراسی در این کشور در شرایط خارق‌العاده تحریم‌ها و محاصره اقتصادی و سیاسی که از سوی غرب تحمیل‌شده بود، توسعه یافت.

ماهیت مناقشه کوزوو درواقع چیز دیگری بود. گروه‌های افراطی آلبانیایی‌ها با استفاده از تروریسم هدف خود یعنی ایجاد سرزمین بدون جمعیت صربی را تحقق می‌کردند. آن‌ها صرب‌ها را می‌کشتند و از وطن خود اخراج می‌کردند، ده‌های صربی را محاصره می‌کردند، آلبانیایی‌هایی را که نخواستند به تروریست‌ها کمک کنند می‌کشتند، غیرنظامیان را به گروگان می‌گرفتند و به ارتش و پلیس حمله می‌کردند. در سال ۱۹۹۸ این گروه‌ها قیام کردند تا کوزوو از یوگسلاوی جدا شود. و اهداف صربستان حفظ تمامیت ارضی خود بود. در این مناقشه غرب از افراطیان آلبانیایی حمایت کرد. هدف ناتو در حمله به یوگسلاوی انهدام ظرفیت نظامی و اقتصادی، ایجاد شورش ضد دولت یوگسلاوی، جدا شدن کوزوو از صربستان بود. در طی این حمله ناتو، آزمایش سلاح جدید، حراج سلاح‌های کهنه و استفاده از سلاح ممنوع که عواقب بسیار خطرناک برای زندگی و سلامتی مردم دارد استفاده می‌کرد.

پس از بمباران نیروهای صرب در ژوئن ۱۹۹۹ از کوزوو عقب‌نشینی کردند. شورای امنیت سازمان ملل طی قطعنامه شماره ۱۲۴۴، مصوب سال ۱۹۹۹ در کوزوو یک حکومت موقت ایجاد کرد که تحت نظارت سازمان ملل کار خود را آغاز کرد. بنا به این قطعنامه، حق تمامیت ارضی صربستان نیز محفوظ شناخته شد. در سال ۲۰۰۱، شورای موقت منطقهٔ خودمختار کوزوو آغاز به کارکرد و حکومت موقت تحت نظارت سازمان ملل اختیارات و مسئولیت‌های خود را به این شورای موقت تفویض کرد. در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ جلسات متناوبی به‌منظور عدم تمرکز دینی و مذهبی به‌منظور حفظ حقوق اقلیت‌های مذهبی در کوزوو برگزار شد.

# وضعیت کنونی کوزوو

آمریکا و سایر دولت‌های غربی برای به رسمیت شناختن استقلال کوزوو از سوی کشورهای جهان تلاش می‌کنند. هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا در کنفرانس مطبوعاتی در سخنان خود با تأکید بر ضرورت گسترش حکومت قانون در کوزوو از تمامیت ارضی و استقلال آن دفاع کرد و گفت این مسئله قابل گفتگو نیست. هاشم تاچی، نخست‌وزیر کوزوو نیز در این کنفرانس گفت: عادی شدن روابط میان کوزوو و صربستان به نفع هر دو کشور و منطقه است. در کوزوو پایگاه آمریکایی بوندستیل واقع است که کنترل بالکان را تأمین می‌کند.

گفتگوهایی که صربستان با کوزوو می‌کند واقعاً اتمام‌حجت غرب به صربستان برای به رسمیت شناختن بخش سرزمین خود یعنی کوزوو است. طبق قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد کوزوو متعلق به صربستان است.

الآن فقط شمال کوزوو که در آنجا صرب‌ها زندگی می‌کنند تحت کنترل صربستان ماند. ولی غرب در جریان مذاکرات درخواست کرد که شمال کوزوو تحت کنترل حکومت پریشتینا باشد. صربستان به سبب فشار زیاد موافقت کرد. به این دلیل زندگی صرب‌های شمال کوزوو الآن زیر خطر است چون‌که نیروهای امنیتی کوزوو حاضرند وارد شمال کوزوو شوند و صرب‌ها را ازآنجا اخراج کنند. حالا صرب‌های کوزوو از حمله نیروهای امنیتی می‌ترسند. همچنین صرب‌های کوزوو هنوز هم مورد حمالت زیادی قرار دارند. عده زیادی از آلبانی تباران کوزوو می‌خواهند کوزوو بازهم جزو صربستان بشود زیرا سطح زندگی آن‌ها تحت حکومت صربستان به‌مراتب بالاتر بود. نرخ بیکاری در کوزوو شصت درصد است، و کشور تبدیل به مرکز تروریسم بین‌المللی، قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسان شده است.

# 21 فروردین دهه بنیاد مسکن

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی ره، اولین اقدام سیاسی در جهت احقاق محرومان حقوق محرومان توسط ایشان صورت گرفت و حضرت امام ره که به فکر محرومان و بی‌سرپناهان جامعه بودند در 21 فروردین 1358، اولین نهاد سازندگی را برای رفع مشکل مسکن و تهیه سرپناه برای محرومان با صدور یک فرمان تاریخی پایه‌گذاری کردند.

حضرت امام ره در این پیام از ظلم و ستمی که در دستگاه رژیم پهلوی بر مردم محروم واقع‌شده بود اظهار تأسف کردند و فرمودند: نظام اسلامی چنین ظلم و تبعیضی را تحمل نخواهد کرد و این از حداقل حقوق هر فرد است که باید مسکن داشته باشد، همه محرومان باید خانه داشته باشند، هیچ‌کس در هیچ گوشه مملکت نباید از داشتن خانه محروم باشد. بر دولت اسلامی است که برای این مسئله مهم چاره‌ای بی اندیشد و بر همه مردم است که در این مورد همکاری کنند.

حضرت امام خمینی ره طی این فرمان، حساب 100 را در تمامی شعب بانک ملی افتتاح فرمودند و پایه و اساس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی را بنا نهادند و برای رفع مشکل از مردم جهت همکاری دعوت نمودند. درواقع اصل این فرمان تاریخی بر دعوت همگانی به همکاری برای رفع این مشکل بود. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی بعد از فرمان امام ره شروع به فعالیت کرد و بنا به اقتصادی زمان، در اول انقلاب شروع به توزیع زمین در بین محرومان کرد و سپس بعد از شهریور سال 1372 و تشکیل شورای عالی اداری، کار اصلی بنیاد که در آغاز در شهرها تمرکزیافته بود به روستاها و بازسازی مناطق آسیب‌دیده از حوادث طبیعی منتقل شد.

همه مردم، مسئولین و متصدیان امور باید با همکاری یکدیگر در این راه قدم بردارند و بدانند که مسئله مسکن برای نسل جوان و جامعه بسیار مهم است و در فراهم کردن مسکن و حل مشکلات کوشا باشند و به یاری خداوند متعال به سمت پیشرفت و رفاه هرچه بیشتر گام برداریم.

# دعا

خدایا ما را به راه راست هدایت بفرما. آنچه رضای تو در آن است ما را به آن‌سو هدایت بفرما. گام‌های ما را درراه خودت قرار بده. خدایا ما را حسینی بمیران. ما را با عشق اباعبدالله زندگی، حیات و ممات ما را به عشق او آمیخته بگردان و...

**نسئلک اللهم و ندعوک بسمک العظیم الاعظم الاعزّ الاجلّ الاکرم یا الله و... یاارحم الرحمین اللهم ارزقنی توفیق الطاعة بعد المعصیة صدقة النیّة و عرفان الحرمة اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله.**

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. . حشر، آیه 18. [↑](#footnote-ref-2)
3. . مدثر، آیه 8 و 9. [↑](#footnote-ref-3)
4. . یس، آیه 49. [↑](#footnote-ref-4)
5. . یس، آیه 53. [↑](#footnote-ref-5)
6. . کشف‌الاسرار، ج 8‌، ص 4. [↑](#footnote-ref-6)
7. . نمل، آیه 87. [↑](#footnote-ref-7)
8. . یس، آیه 53. [↑](#footnote-ref-8)
9. ##### . لئالی الاخبار، صفحه 453.

 [↑](#footnote-ref-9)
10. ##### . علم‌الیقین، صفحه 892.

 [↑](#footnote-ref-10)
11. . نمل، آیه 87. [↑](#footnote-ref-11)
12. . زمر، آیه 68. [↑](#footnote-ref-12)
13. . عنکبوت، آیه 57. [↑](#footnote-ref-13)
14. . الرحمن، آیه 26. [↑](#footnote-ref-14)
15. . الرحمن، آیه 27. [↑](#footnote-ref-15)
16. . آل‌عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-16)